



تصویر شماره ۱: کاترین ویلیز، ساکن پاریس و نرماندی (فرانسه)، عکاس: ستار وزیری، ۱۳۹۳





تصویر شماره ۳:

THE SCULPTOR'S WORKSHOP

cables, plumb line, pebbles, turmeric powder - Altkirch, France-1987



تصویر شماره ۲

مین برای بی...ویدن زاده ش...ده ام

گفتگو با کترین ویلیس (Catherine Willis)

بودند مثل عصاره مغز چوب درختان، از آن‌ها هم استفاده می‌کنم و هم تجلیل. بو و عطر هر چیزی برای من خیلی مهم است از آن به بعد بیشتر چیدمان‌هایی که انجام می‌دهم با ماهیت عطر و بو هست.

خیلی دوست داشتم تجسمی از کارهایم را به شما نشان دهم البته در آینده نزدیک خواهید دید. اجازه دهید مثالی بزنم:

با استفاده از قطعات کوچکی از دارچین و لوله پلاستیکی چیدمانی را به شکل مکعب انجام دادم. و کسانی که وارد آن فضا می‌شدند آن را حرکت می‌داند و اسانس و بویی از آن متصاعد می‌شد که دل‌انگیز بود (تصویر شماره ۲).

یکی دیگر از چیدمان‌هایی که داشتم ترکیبی از زردچوبه و سنگ بود (تصویر شماره ۳). از زردچوبه بوی شدیدی متصاعد می‌شود که از بوهای اطراف شدیدتر است. به مدت سه ماه این چیدمان در جنگل بود و با بارش باران رنگ آن نارنجی پررنگ شد و وقتی که خشک شد رنگ آن زرد بود. چیدمان یک کار مقطعی است و امکان دارد یک روز یا چند ماه دوام بیاورد. این کار من سه ماه بیشتر باقی نماند.

از بچگی خیلی دوست داشتم طراحی کنم و از طبیعت لذت ببرم. در دانشگاه سوربن، انستیتوی هنر، تاریخ هنر خواندم و به فعالیت‌های مختلف هنری مثل پژوهش هنر، معلم هنر، مجموعه‌دار موزه هنری و نویسندگی راجع به هنر فکر می‌کردم. وقتی از دانشگاه فارغ‌التحصیل شدم به نویسندگی راجع به هنرمندان آلمانی پرداختم، ولی احساس و وجود خودم را در نوشتن پیدا نمی‌کردم، در نهایت تشخیص دادم که باید خودم به عنوان سازنده اثر هنری شروع به فعالیت کنم و خیلی دیر به عنوان یک آرتیست پذیرفته شدم. در سن ۳۵ سالگی ساختن مجسمه، چیدمان‌ها در ساینهای کوچک و بزرگ را آغاز کردم. کم‌کم شروع کرده به جلو رفتن، با این نگاه که احترام خودم را به تعالی و عمق طبیعت و درختان بیان کنم. اگر در وسط یک جنگل بودم کارهایم را ابتدا با طراحی روی کاغذ و ساخت آن‌ها با چیزهایی که در اطرافم بودند - مثل یک جادوگر با همان روش ابتدایی جادوگری - شروع به کار می‌کردم و مواد کارم را از طریق مسافرت‌هایی که انجام می‌دادم و یا دوستانم به دست می‌آوردم، به عنوان مثال شاخه‌های درختان، برگ درختان. اساس کارهای من استعاره‌ای از چیزهای عجیب و غریب بود تا اینکه علاقه‌مند شدم به بویی که از طبیعت متصاعد می‌شد. بوهایی که تند و تیز



تصویر شماره ۵:

DE MEMOIRE DE METEORITE. Olfactive installation.
ARANDA. Spain 1990



تصویر شماره ۴:

JARDIN PARFUME POUR UNE METEORITE.
Installation olfactive. Maison des ARTs. Chalons sur Saone. France. 1993

چیدمان: چرا طبیعت را به عنوان موضوع اصلی کارتان انتخاب کردید؟

این حس شخصی من و علاقه مندی ام به طبیعت است. آدم از بچگی در هر فضایی که بزرگ شود با آن محیط اخت می شود، من هم از کودکی در روستا بودم و با طبیعت اخت شده ام و به همین خاطر موضوع کارهایم طبیعت است.

یکی دیگر از چیدمان های من در اسپانیاست و تصویری از آن همراهم ندارم ولی در سایت^[۱] هست، کارخانه ای است که اتاق بزرگی دارد و در آن از درختی تجلیل شده است و مانند اینجا که قرار است در باغ دولت آباد انار را نشان دهیم در آن کارخانه، اطراف درختی را با رنگ طلائی ماشین علامت گذاری کرده ام. یک ظرف فلزی را پر از آب کردم و روی آجرهای خشکی قرار دادم و زیر آن را گازهای کوچکی که برای کمپینگ و اردو می برند، گذاشتم و آب داخل آن ظرف جوش می خورد. شاخه های درختان را از بالا آویزان کردم و تکه هایی از آن شاخه ها را داخل آن ظرف می ریزند که قل بخورند و بخاری از آن متصاعد می شود. کاش تصاویری داشتم که می توانستم آن را به شما نشان دهم. کف کارخانه را با خرده چوب پوشاندم، به این طریق شما روی زمین بوی خشکی دارید و در فضای بالایی بوی رطوبت و نمناکی شاخه های چوب را دارید (تصویر شماره ۵).

چیدمان: چرا این قدر بو برای شما اهمیت دارد؟

بعضی افراد مثلاً در شنیدن موسیقی خیلی خوب هستند؛ من برای بوییدن زاده شده ام. و برای مرکز گیاهان کنجکاوی خیلی عجیبی دارم.

چند روز پیش در مرکز قنات یزد یک لیوان آب، از آب همان قنات نوشیدم که عطر خاصی داشت. همان طور که می دانید چشیدن خیلی نزدیک است به بوییدن. ریشه بو را سؤال کردم و در اینترنت سرچ کردند، تشخیص دادند به خاطر (سالیکس) و به علت وجود آن در آن منطقه، باعث می شود که آب آن قنات هم مزه و هم بوی خاصی داشته باشد.

1- www.catherinewillis.com

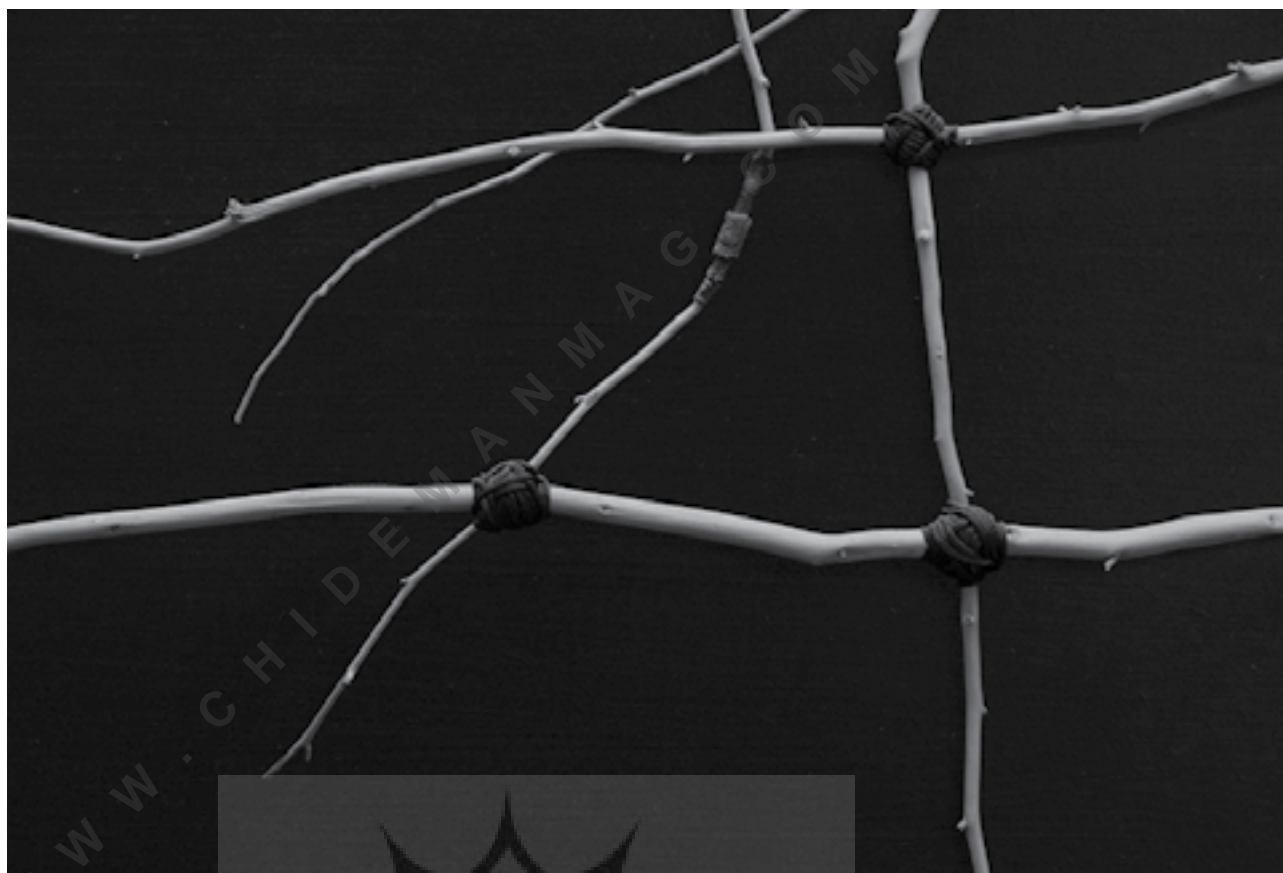


چیدمان های من راه و روشی از زندگی است و روش من طبیعت است. یکی دیگر از ویژگی های کار من این است که خودم مرکب های خود را می سازم مثل اینکه شما یک تکه فلز کهنه را در سرکه بیندازید و با پودری ترکیبش کنید و یا مثل اینکه شما پوست انار را بسوزانید و بعد با پودر ترکیبش کنید. ترکیب این دو، رنگ سیاه جالبی را به وجود می آورد، که من برای تک چاپ ها (منوپرینت ها) از این مرکب استفاده می کنم. برای خوشنویسی و طراحی نیز از این مرکب استفاده می کنم. حتی قلم مو را نیز با استفاده از شاخه هایی که در باغ دارم، درست می کنم. خیلی به اصل طبیعی اعتقاد دارم. از تجسم و ذهنیت خودم استفاده می کنم و گیاهان نادر و کمیاب. از بعضی عطریاتی که برند هستند هم به عنوان مرکب استفاده می کنم. زندگی همیشه خیلی هیجان انگیز و جالب است وقتی که همه چیز نو و تازه باشد و با چیزهای جدید برخورد کنیم. این در مورد همه چیز صدق می کند نه فقط بو.

چیدمان: چه شد که تصمیم گرفتید این چیدمان را در یزد برگزار نمایید؟

مثل همیشه من دوست دارم که خودم را در موقعیت قرار دهم و هرگز خودم را تکرار نکنم و علاقه مند شدم که در روح آن فضا و مردمی که ملاقاتشان می کنم، قرار گیرم. چند روزی بعد از این دیدارها گذشت و کشف این باغ خیلی جالب؛ برای من فضای بسیار زیبایی بود، از لحاظ معماری و جزئیاتش. سنگ ها و مرمرها و طراحی عجیبی که در سقف دولت آباد وجود دارد، آبی که از قنات به باغ دولت آباد می آید، همه باعث شد که این چیدمان را برگزار کنم.

اول راجع به گیاهان و این طور چیزها فکر می کردم و می خواستم ارتباط بین گیاهان و روزهای هفته را نیابم و به شکلی آن را نجومی کنم ولی بعد متوجه شدم که الان فصل انار است، این به صورت نمادین نشانه باروری طبیعت در قنات است. زغالی که از تفاله چای به دست می آید همراه با کمی آب نبات را در کاسه های سرامیکی یزدی قرار می دهم و روی آب روان می کنم. چیدمان من حدود ساعت چهار شروع می شود و تا غروب آفتاب ادامه خواهد داشت، برای تزئین



تصویر شماره ۶:

FOREST MAP wood, black cotton ligatures 2006.



تصویر شماره ۷: شعر ماریا ریلکه به زبان فارسی و فرانسه استفاده شده در چیدمان "تیبایش انار"، عکاس: ستار وزیري، ۱۳۹۲

فضای اطراف آن از کاغذهایی که بر روی آن ترجمه فارسی شعری از ماریا ریلکه^[۲] (تصویر شماره ۷) توسط یکی از دانشجویان دانشکده معماری به فارسی خوشنویسی و متن فرانسه آن شعر استفاده می‌شود. جانمایه این شعر بودن در حال است.

چیدمان: نظر شما راجع به یزد چیست؟

من آخرهای شب با قطار به یزد رسیدم، در قطار با سه خانم جوان که دانشجوی همین دانشکده هنر و معماری یزد بودند، آشنا شدم و با همدیگر صحبت کردیم. آن‌ها خیلی خوش برخورد بودند و زمانی که رسیدم جوانی وسایل من را تا تاکسی آورد و هزینه من را نیز پرداخت کرد، این رفتار خیلی برایم جالب بود.

در هتل سنتی واحه یزد مستقر هستیم و طی بازدیدی که از پشت بام آنجا داشتیم دیدن آسمان مهتابی و بادگیر خیلی برایم لذت بخش بود. زاویه ماه در اینجا با فرانسه خیلی متفاوت است در فرانسه عمودی است ولی در اینجا زاویه تند و نزدیکی دارد، همچنین زاویه‌ای که ستاره دب اکبر در اینجا دارد با فرانسه متفاوت است. من خیلی متعجب شدم به خاطر این همه زیبایی که در شب یزد دیدم، وقتی که شب در بازار قدم می‌زدم کاملاً ساکت بود و هوا هم کاملاً تر و تازه بود. ■

۲- Rainer Maria Rilke (۱۸۷۵-۱۹۲۶) از مهم‌ترین شاعران قرن بیستم آلمانی زبان است. برخی از سروده‌ها و داستان‌های ریلکه توسط مترجمانی چون شرف‌الدین خراسانی، پرویز ناتل خانلری و علی عبداللهی به فارسی ترجمه و منتشر شده است.